



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۵/۱۸

نجیب داوری

خلیزاد – طالبان – کابلوف و داعش آیا طالبان نقش مهم در جنگ علیه داعش بازی میکنند؟

رسانه های خبری جهان گزارش دادند که زلمی خلیزاد برای طالبان نقش مهم در جنگ علیه داعش قائل و بخاطر قیاحت زدایی از طالبان، مسوولیت حمله جنایتکارانه به شفاخانه ولادی - نسایی دوکتوران بی سرحد در غرب شهر کابل را به گروه داعش احواله کرده است. همزمان یکروز قبل ضمیر کابلوف نماینده خاص روسیه در قضایای اطراف افغانستان با اظهارات غیر مسوولانه از تصمیم رئیس جمهور غنی در امر حمله به مواضع طالبان انتقاد و تلویحاً از حملات تروریستی طالبان حمایت و پشتیبانی کرد.

در این شکی نیست که عدم شناخت دقیق امریکا و شوروی در جریان جنگ سرد از افغانستان؛ سرنوشت غم انگیزی عمداً از سوی ایندو ابر قدرت برای مردم افغانستان رقم زده شد. اما حرکات، اجراءات و اظهارات فعلی خلیزاد، کسی که زاده افغانستان و شناخت بهتری از هر دیپلمات افغان و امریکایی نسبت به قضایای افغانستان طی چهل سال اخیر دارد، قابل تأسف و اغماض است.

اول - سیاست روسها در قبال افغانستان

سیاست روسها در قبال افغانستان هرگز عقلانی نبوده و نیست، که بعداً ندامت قوی برایشان بدنبال داشته است. روسها بطور مستقیم و غیر مستقیم در سقوط جمهوری داوود خان و سقوط دولت داکتر نجیب الله نقش فعال داشتند. اما بعداً بزودی در هر دو مورد شدیداً پشیمان شدند. حالا هم ضرور به نظر میرسد تا کابلوف بدانند که دولت سکیولار فعلی افغانستان در سرحدات جمهوری های آسیای میانه بمراتب بهتر از دولت یا امارت بنیادگرا طالبانی بعنوان همسایه دردیوار جمهوری های مذکور خواهد بود. جناب کابلوف و دارودسته پوتین که مجذوب شعبده بازی های استخبارات نظامی پاکستان شده اند باید متوجه باشند که عمق استراتژی پاکستان در پوشش اسلام فراتر از سرحدات افغانستان بسوی شمال، خاصناً جمهوری های آسیای میانه میباشد. پاکستانی ها با نیرنگ و فریب به روسها چنین تلقین کرده اند که گویا گروه بنیاد گرای داعش از سوی امریکا به افغانستان آورده شده و بدستور استخبارات امریکا تصمیم نارام ساختن جمهوری آسیای میانه و روسیه را دارد؛ در حالیکه دستگیری داعشیان اتباع پاکستان و یکی از اعضای برجسته گروه داعش در کابل خلاف گفته ها و پروپاگندهای پاکستان را در زمینه ثابت ساخت.

جناب کابلوف حتماً از رسانه ها شنیده است که شخصی بنام عبدالله و رکزی معروف به اسلم فاروقی، از پشتونهای آنسوی ماورای خط فرضی دیورند و از قوم مموزی که رهبری گروه داعش در افغانستان را بعهده داشت و تعدادی دیگر از همکاران اش که همه شان اتباع پاکستان میباشدند، اخیراً توسط امنیت ملی افغانستان با اسناد انکار ناپذیر دستگیر شدند. باز هم جناب کابلوف شاید در جریان باشند که دولت پاکستان بلافاصله پس از دستگیری فاروقی در حالی خواهان استرداد موصوف از دولت افغانستان شد گویا شخص مذکور مخرب امنیت پاکستان بوده و میخواهند که ویرا در پاکستان محکمه کنند. نا گفته پیداست که تقاضای آنی مقامات پاکستانی از دولت افغانستان در امر استرداد عبدالله و رکزی میرساند که شخص مذکور یکی از مهره های مهم و برجسته استخبارات نظامی پاکستان بوده که اسرار مهم استخباراتی در امر حمایت، تمویل و تسلیح پاکستان از گروه داعش در افغانستان در سینه داشته و تلاش پاکستان اینست تا بخاطر حفظ

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

اسرار استخبارات نظامی پاکستان در امر تعلیم، تربیه، تسلیح و تمویل اعضای داعش در افغانستان عبدالله ورکزی را هرچه زود تر از چنگ امنیت ملی دولت افغانستان بیرون کند.

حالا با اینها جالب است که کابلوف، پوتین و بقایای کا.جی.بی از ترس از گسترش داعش خیالی یا بضم خودشان اعراب افراطی برگشته از سوریه و عراق، بسوی آسیای میانه در حال تمویل، تجهیز و قباحت زدایی گروه دیگر نیابتی و تروریستی پاکستان یا طالبان در افغانستان میباشند. درحالیکه با گرفتاری دزد با بلگه ثابت شد که داعش در افغانستان بمانند طالب از سوی استخبارات نظامی پاکستان تعلیم، تربیه، تمویل - تجهیز و تغذیه میشود .

از سوی دیگر در صورت استقرار طالبانی در افغانستان که کابلوف در راستای ایجاد آن خیلی شوق دارد- بخواهی - نخواهی کشورهای آسیای میانه بگونه بی از آن متضرر خواهند شد. آنگاه پیشمانی برای اشتباه سوم روسها در سیاست اطراف افغانستان برایشان سودی نداشته و جمهوری های مذکور مجبور خواهند شد بمانند دهه نود میلادی سرحدات شان با افغانستان را با سیم خاردار ببندند. بناً قبل از اینکه روسها برای بار سوم پیشمان شده و سرحدات جمهوری های آسیای میانه را در برابر هجوم احتمالی بنیاد گرا های طالبی با سیم خار دار و موانع سمندی ببندد، لازم بنظر میرسد تا کابلوف، پوتین و شرکا از مداخلات غیرمسوولانه در امور داخلی افغانستان دست برداشته و با پیش گرفتن سیاست عقلانی، خیال شکست امریکا از سوی طالبان در افغانستان را از سر بیرون و از دولت برسراقتدار و سکیولار فعلی افغانستان در برابر حملات بنیاد گراهای طالب حمایت اخلاقی کنند. هرچند خجالت شکست شوروی سابق در افغانستان هنوز بردوش رهبران روس سنگینی میکند؛ شاید روی این منظور پوتین و کابلوف خیال میکنند که با شکست امریکا از سوی طالبان در افغانستان، قصور شکست شوروی سابق در اینکشور را از امریکائیان گرفته و قسماً بار سنگین شکست و خجالت دهه هشتاد میلادی در افغانستان را از دوش شان سبک خواهند ساخت، اما غافل از اینکه با به قدرت رسیدن بنیاد گرا های طالب در افغانستان عرصه جنگهای بنیاد گرایی به داخل آسیای میانه و روسیه نیز کشانده خواهد شده. گذشته از آن از کجا معلوم که خلیزاد در مذاکره قطر طالبان را راضی به اجرای نقش بلک واتر در افغانستان نکرده باشد. که در آنصورت حمایت روسها از طالبان در آینده باز هم باعث عرق ریزی و خجالت بیشتر پوتین و کابلوف خواهد شد.

و اما زلمی خلیزاد چند سال قبل ضمن مصاحبه با یکی از رسانه های آزاد افغانستان اظهار کرده بود که پاکستان قدرت اتمی بوده و حاکمیت عام و تام بالای بنادر زمینی، آبی و هوایی این کشور دارد و اگر بخواهد هیچ تروریستی نمیتواند، از جای دیگر وارد پاکستان شده و از آنجا به افغانستان بیاید .

به مینای این گفته خلیزاد بدون شک که تروریستان عرب دولت اسلامی عراق و شام (داعش) نمیتوانند از طریق دیگر کشورهای همسایه افغانستان چون تاجکستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و جمهوری مردم چین وارد افغانستان شوند، جز پاکستان. بناً موجودیت اینهمه جنگجوی خارجی چون عرب، چین، بنگله دیشی و غیره در افغانستان میرساند که تروریستان مذکور بهمکاری و رهنمایی استخبارات نظامی پاکستان از نقاط مختلف دنیا وارد پاکستان و از آنطریق به افغانستان فرستاده میشوند. جناب خلیزاد حتماً از طریق شبکه های استخباراتی قوتهای حمایت قاطع در افغانستان در جریان اند که اکثریت نسبت به تمام تروریستان داعش در افغانستان اتباع پاکستان بوده و تحت مدیریت سازمان استخبارات نظامی اینکشور در مناطق قبائلی جناح جنوبی خط فرضی دیورند و دیگر نقاط پاکستان سربازگیری و بعد از تعلیمات سختگیرانه مذهبی و نظامی در مدرسه های پاکستانی طالبان در راستای تشدید تروریسم و بی امنی افغانستان بدخل اینکشور فرستاده میشوند. بناً جناب خلیزاد صاحب بدون هر گونه تردید بهتر از ما میداند که داعش در افغانستان و طالب در افغانستان هر دو از یک آخور - آب خورده و هر دو از ابتکارات استخبارات نظامی پاکستان در راستای تطبیق سیاست های استراتژی اینکشور در افغانستان طوری بخمدت گرفته شده اند که در صورت بقدرت رسیدن طالبان در افغانستان اگر این گروه از خواستهای پاکستان در امر بهره برداری از منابع سرشار طبیعی افغانستان و چگونگی روال سیاست های داخلی و خارجی افغانستان طالبانی از دستایتر آ.اس.آی سر پیچی کنند، پاکستان به آسانی توسط گروه نام نهاد داعش آنها را ببرد سری خواهد مبتلا خواهد ساخت، که دولت موجود و فعلی افغانستان به آن مواجه است. از سوی هم ادامه نا امنی - گشت و گشتار - بیزاری و شکایت مردم از دولت مرکزی در امر عدم تأمین امنیت که نتیجه عدم پیشرفت اقتصادی و عدم رفاه مردم را بدنبال دارد؛ از خواستهای دولتهای پاکستان در افغانستان جنگزده بوده و میباشد. روی این اساس حالا که طالبان روی میز مذاکره با امریکا حضور دارند، بمنظور قباحت زدایی از وجهه طالبان در مذاکره با امریکائیان، پاکستان با مهارت تمام - ادامه گشت و گشتار و جنایات جاری در افغانستان را بنام داعش رقم میزند. در حالیکه هر دو گروه تروریستی روی یک سکه بوده و از یکدست رهبری و حمایت میشوند. بدین لحاظ در این هیچ شک نیست که طالبان در حمله به مراکز غیر نظامی، نظیر شفاخانه ولادی - نسایی دوکتوران بی سرحد در غرب شهر کابل و هدیره ولسوالی بنیوه ولایت ننگرهار داست داشته اند. اما جهت جلوگیری از وارد شدن خدشه به وجهه ظاهراً صلحخواهانه طالبان، داعش فوراً مسوولت حمله به هدیره خیوه را بدوش گرفت. و جنایت در

شفاخانه ولادی - نسایی دوکتوران بی سرحد در دشت برچی کابل آنقدر گسترده، غیر انسانی و شرم آور است که حتی گروه نامنهاد داعش تا حال از قبول مسوولیت در حمله به شفاخانه مذکور شانه خالی کرده است. در حالیکه مشابهت های این حمله با حمله به شفاخانه شهید سردار محمد داوود خان یا چهارصد بستر در چند سال قبل خود میرساند که حمله توسط کی صورت گرفته و از کدام تجربیات استفاده شده است.

بنأ ادعای های خلیزاد چون {طالبان نقش مهم در جنگ علیه داعش بازی کرده است} یا {حمله به شفاخانه نسایی - ولادی دوکتوران بی سرحد کار داعش میباشد} میتواند جملات خوش آیند برای پاکستانی ها، پوتین، کابلوف و غیره کسانی باشند که میخواهند خاک به چشمان تاریخ زده و از جنایات متعدد طالبان در سر زمین غمدیده و بلا کشیده افغانستان بخصوص در مناطق پشتون نشین چشم پوشی و پرده پوشی کنند. اما برای دنیای خرد و منطق ادعای نقش طالبان در جنگ علیه داعش و دست نداشتن طالبان در حملات تروریستی به مردم عام در نقاط مختلف افغانستان - حد اقل در شرایط فعلی حرفی است میان خالی، خنده آور و غیر قابل باور .

پایان